

امام علی علیه السلام:

أَلَا وَ إِنَّ الْجِهَادَ ثَمَنُ الْجَنَّةِ ، فَمَنْ جَاهَدَ نَفْسَهُ مَلَكَهَا ، وَ هِيَ أَكْرَمُ ثَوَابِ اللَّهِ لِمَنْ عَرَفَهَا .  
بدانید که جهاد، بهای بهشت است، پس هر که با نفس خویش جهاد کند، بهشت را مالک شود و بهشت  
ارجمندترین پاداش الهی است برای کسی که قدر آن را بشناسد . ( غرر الحکم: ۲۷۸۴ )  
مبارزه با هوای نفس دو بخش دارد که این دو بخش را باید در کنار هم انجام دهیم: ۱- ترک شهوات  
۲- صبر در ناملايمات.

امام صادق(علیه السلام) بِحَقِّ أَقْوَلٍ لَكُمْ إِنَّكُمْ لَا تُصِيبُونَ مَا تُرِيدُونَ إِلَّا بِتَرْكِ مَا تَشْتَهُونَ وَ لَا تَتَأَلَوْنَ مَا تَأْمَلُونَ إِلَّا بِالصَّبْرِ عَلَى مَا تَكْرَهُونَ»(تحف العقول/ص ۳۰۵ و امالی مفید/۲۰۸)  
امام صادق(علیه السلام) به یکی از اصحاب خود فرمود: «من به حق به شما می گویم که شما به آنچه  
می خواهید (نهایتاً لقاءالله) نمی رسید مگر به ترک آنچه میل و شهوت دارید و به چیزهایی که آرزو دارید  
نمی رسید مگر با صبر کردن در برابر ناملايمات؛

بعضی از آدم های مذهبی حاضرند شهوت و گناه را ترک کنند ولی حاضر نیستند در بلا و مصیبت صبر  
کنند. بعضی ها نیز حاضر هستند در بلا صبر کنند ولی حاضر نیستند گناه را ترک کنند. در صورتی که این دو  
باید با هم باشد تا نتیجه بدهد. چون انسان با دو بال می تواند پرواز کند، یکی اینکه وقتی هوسی به سراغش آمد،  
آن را ترک کند و گناه را کنار بگذارد و دیگر اینکه وقتی بلایی بر سرش آمد صبر کند.

از حاج آقای دولابی(ره) می پرسیدند که به ما دستور العمل بدهید، ایشان می فرمود که دستورالعمل  
نمی خواهد فقط «بروید و راضی باشید!» چون مردم معمولاً رضایت را کم دارند. همان کارهای خوبی که انجام  
می دهیم و مراقبتی که در ترک معصیت انجام می دهیم اگر با چاشنی «رضایت» همراه باشد، به ما کمک خواهد  
کرد با این دو بال بالاخره از زمین جدا شویم و پرواز را آغاز کنیم.

نفس اماره اگر چه دشمن اصلی روح ملکوتی است اما وجودش برای رشد روح ضروری است زیرا  
بدون ضدیت و مبارزه رشد روح ملکوتی امکان پذیر نمی باشد. خواسته های نفس اماره را می توان به توکسین  
میکربی تشبیه کرد. اگر قوی و به مقدار زیاد باشد برای روح ملکوتی مضر و حتی کشنده است. اما اگر ضعیف  
شده و به مقدار کم باشد روح را در مقابل نفس اماره واکسینه می کند و موجب می شود که روح ملکوتی بتواند  
انگیزش های نفس اماره را به تدریج مهار کند.

حاج آقای دولابی(ره) می پرسیدند که به ما دستور العمل بدهید، ایشان می فرمود که دستورالعمل  
نمی خواهد فقط «بروید و راضی باشید!» چون مردم معمولاً رضایت را کم دارند. همان کارهای خوبی که انجام

می‌دهیم و مراقبتی که در ترک معصیت انجام می‌دهیم اگر با چاشنی «رضایت» همراه باشد، به ما کمک خواهد کرد با این دو بال بالاخره از زمین جدا شویم و پرواز را آغاز کنیم

از امام صادق (علیه السلام) پرسیدند: «راه رسیدن به راحتی چیست؟» حضرت فرمود: در مخالفت با هوای نفس است. پرسیدند: چه موقع عبد به راحتی می‌رسد؟ حضرت فرمود: اولین روزی که وارد بهشت می‌شود؛ قیل له: اَيْنَ طَرِيقُ الرَّاحَةِ؟ فَقَالَ: فِي خِلَافِ الْهُوَى. قِيلَ: فَمَتَى يَجِدُ عَبْدُ الرَّاحَةِ؟ فَقَالَ: عِنْدَ أَوَّلِ يَوْمٍ يَصِيرُ فِي الْجَنَّةِ» (تحف العقول/ص ۳۷۰) یعنی مبارزه با نفس دائمی است و تا آخر عمر ادامه دارد.

مبارزه با نفس اماره یک فرایند طولانی است. و به پشتکار زیاد احتیاج دارد. برای حفظ پشتکار و نگه داشتن انگیزه لازم دیدار با اشخاص معنوی و مقدسین چه در حیات و چه در ممات خدمت به خلق و انفاق مطالعه متون معنوی و الهی عبادت و ... عوامل تقویتی مفیدی هستند.

۱. تفکر: شرط اول مجاهده با نفس و حرکت به سوی خداوند تفکر است یعنی انسان هر روز مقداری تفکر کند در اینکه آیا خداوند متعال که او را در این دنیا آورده و تمام اسباب آسایش او را فراهم آورده، وظیفه ما در مقابل این همه لطف چیست؟ آیا تمام این الطاف برای شهوات و هواهای نفسانی ما است یا مقصود دیگری در کار است؟ اگر انسان عاقل، لحظه ای فکر کند مقصود خداوند را می‌فهمد که همان ترکیه و تهذیب نفس از انسان می‌باشد. تخت فولاد اصفهان، همچون گنجینه ای است که گوهرهای نایابی را در دل خود نگه داشته است و اسرار مگو در باب این گوهرهای نایاب بسیار دارد!

تخت فولاد در کنار قبرستان بقیع مدینه، ابوطالب مکه و وادی السلام نجف اشرف از مهمترین و متبرک ترین مرقد های جهان اسلام به شمار می‌رود. تا آنجایی که برخی معتقدند تخت فولاد به واسطه قبور متبرک آن، دومین قبرستان جهان اسلام است.

در جای جای این تکه از بهشت معنوی که قدم می‌گذاری عظمت های عرفانی و علمی زیادی مدفون است. یکی از این ذخایر عظیم، عارف وارسته و عالم برجسته حضرت شیخ محمد صادق تخت فولادی است. قدوه السالکین مرحوم حاج محمد صادق مشهور به تخت فولادی از عرفای بزرگ قرن سیزدهم و استاد سیر و سلوک مرحوم حاج شیخ حسنعلی اصفهانی معروف به نخودکی رحمه الله علیه است که در اواخر سلطنت فتحعلی شاه قاجار زندگی می‌کرده اند. در اوایل جوانی به کار رنگرزی اشتغال داشته و به کمک چند شاگرد کارگاه رنگرزی را اداره می‌کرده اند. عادت آن مرحوم در جوانی این بود که با وجود ناامنی حاکم به شهر هر روز عصر با شاگردان برای تفریح از شهر اصفهان خارج می‌شدند.

## آشنایی با بابا رستم

روزی به هنگام غروب که از دروازه شهر به طرف شهر باز می گشتند، در بین راه در قبرستان تخت فولاد از دور چشمشان به پیرمردی می افتد که سر بر زانوی تفکر نهاده و در خود فرو رفته بود مرحوم حاجی (تخت فولادی) به شاگردان خود می گویند: هنوز تا غروب وقت زیادی است برویم و قدری با این پیر شوخی و مزاح کنیم پس از فرا رسیدن غروب به شهر باز می گردیم . به پیرمرد نزدیک می شوند و سلام می کنند پیرمرد سر برداشته جواب سلام می دهد و دوباره سر به زانو می گذارد. می پرسند اسم شما چیست؟ از کجا آمده اید؟ چکاره هستید؟ پیر جوابی نمی دهد، مرحوم حاجی با ته عصایی که در دست داشته به شانه پیرمرد می زند و می گویند: انسانی یا دیوار که هر چه با تو صحبت می کنیم جوابی نمی دهی؟ باز هم جوابی نمی شنوند. لاجرم ایشان به همراهان می گویند برگردیم برویم ایستادن بیش از این نتیجه ای ندارد. چند گامی که از پیرمرد دور می شوند آن مرد بزرگ سر بر میدارد و به مرحوم حاج محمد صادق می فرماید: عجب جوانی هستی، حیف از جوانی تو! و دیگر حرفی نمی زند. مرحوم حاج شیخ محمد صادق با شنیدن این کلمات دیگر خود را قادر به حرکت نمی بیند، می ایستد و کلید دکان را به شاگردان می دهد. سپس خود برمی گردد و در خدمت پیر می نشیند. تا سه شبانه روز پیر سخنی نمی گوید جز اینکه هر چند ساعت یکبار بر سبیل استفهام می فرماید: اینجا چه کار داری؟ برخیز و به دنبال کار خود برو.

بعد از سه شبانه روز پیر روشن ضمیر به مرحوم حاجی می فرماید: شغل شما چیست؟ می گوید رنگریزی، پیر می فرماید: پس روزها برو به کسب خود مشغول باش و شبها اینجا نزد من بیا.

۲. عزم: یعنی تصمیم بر ترک گناهان و انجام واجبات بگیری تصمیم و اراده ای قاطع و سخت چرا که قدم در راهی نهادی که دارای مشکلات و سختی های زیادی می باشد که بدون صبر و عزم نمی توان به مقابله با آنها برخواست و سالک و مجاهد بایست به حول و قوه خداوند چنان عزمی داشته باشد

که در مقابل همه مشکلات بایستد و بر آنها فائق آید. حضرت امام خمینی (ره) دراهمیت عزم از استاد خویش نقل کرده اند که ایشان عزم را جوهره انسانیت و میزان امتیاز انسان دانسته اند و فرموده اند بیشتر از هر چیز گوش دادن به موسیقی، عزم و اراده را ضعیف می کند.

۳. مشارطه، مراقبه، محاسبه و مواخذه: این چهار عمل از اهمیت حیاتی برخوردار بوده و از لوازم سیر الی الله می باشد و از حضرت امام موسی — علیه السلام — نیز نقل شده که فرموده اند: هرکس که هر روز یک بار اعمال خود را محاسبه نکند از ما نیست.

مشارطه آن است که در اول روز شرط کند که امروز گناهی انجام نخواهد داد و این مطلب را تصمیم بگیرد و معلوم است که یک روز گناه نکردن کاری است آسان و سهل و می توان به راحتی از عهده اش بر آمد. پس از مشارطه باید وارد مراقبه شوی یعنی در تمام مدت متوجه عمل به شرط خود باشی و پیوسته مراقب اعمال و احوال خود باشی تا مرتکب گناهی نشوی و اگر در دلت افتاد که مرتکب خلاف شوی بدان که این از شیطان است پس به آن لعنت کن و به خداوند متعال پناه ببر.

و به همین حال مراقب باشی تا موقع محاسبه که آخر شب وقتی اختصاص دهی و در آن وقت که به تمام کارهای شبانه روز خود رسیدگی نمایی و حساب نفس را بکنی که در این روز مرتکب گناه شده یا نه. اگر گناهی مرتکب نشده باشد شکر خدا کن و بدان که یک قدم پیش رفتی و منظور نظر الهی شدی و امید است کار برای تو سهل و آسان شود و آن وقت است که اطاعت خداوند و ترک معاصی برایت شیرین خواهد شد و اگر مرتکب گناه شده باشد باید خود را مواخذه کنی و از خداوند بخواهی و بنا بگذاری که فردا مردانه عمل کنی و بهمین حال باشی تا خدای تعالی ابواب توفیق و سعادت را بر روی تو باز کند .